

تاریخ امتحان: ۱۴۰۱/۰۳/۲۲		بسمه تعالی <b>آموزش و پرورش ناحیه ۲ تبریز</b> <b>دبیرستان ماندگار فردوسی</b>	امتحانات خرداد ۱۴۰۱	
مدت امتحان: ۷۵ دقیقه			امتحان درس: فلسفه ۱	
شماره صندلی:			پایه: یازدهم رشته: علوم انسانی	
کلاس:			نام و نام خانوادگی:	
بارم	*** متن سوالات ***			ردیف
۱	انسانها در انتخاب هدف ها به چند دسته ی کلی تقسیم می شوند؟			۱
۰/۵	یکی از ویژگی های انسان ..... است.			۲
۰/۵	واسطه ی رسیدن انسان از مجهولات به معلومات ..... است.			۳
۰/۵	چه کسی لفظ فلسفه را بر سر زبان ها انداخت و عمومی کرد؟			۴
۰/۵	ملاصدرا فیلسوف بزرگ اسلامی کدام تفکر فلسفی شایسته ی انسان نمی داند؟			۵
۱	فلسفه ی مضاف را با چند مثال توضیح دهید؟			۶
۱	شهرت هراکلیتوس در تاریخ فلسفه به چند دلیل است؟			۷
۱	اتهام سقراط چه بود؟ و نماینده ی متهم کنندگان در دادگاه چه کسی بود؟			۸
۱	گرگیاس در زمینه ی امکان شناخت چه می گوید؟			۹
۱/۵	شناخت تجربی بر چند قاعده ی عقلی استوار است؟			۱۰
۱	برترین شهود قلبی کدام بوده و ویژه چه کسانی است؟			۱۱
۱	پوزیتیویسم یا اثبات گرایی چه دیدگاهی در خصوص ابزارهای معرفت داشت؟			۱۲
۱	جریان پراگماتیسم چه دیدگاهی درباره ی ابزارهای شناخت داشت؟			۱۳
۱/۵	پروتاگوراس در مورد شناخت اشیا چه نظری داشت؟			۱۴
۱	نظر ارسطو در مورد نفس را بنویسید.			۱۵
۰/۵	فیلسوفان اروپایی از جهت معرفت شناسی به دو گروه ..... و ..... تقسیم میشوند.			۱۶
۰/۵	از نظر دکارت من حقیقی چیست؟			۱۷
۰/۵	شیخ شهاب الدین سهروردی بجای مفهوم وجود مفهوم ..... بکار می برد.			۱۸



۱/۵	نام مکتب فلسفی ملاصدرا چیست و از نظر وی رابطه ی روح و بدن چگونه است؟	۱۹
۱	از دیدگاه افلاطون کدام فعل اخلاقی محسوب می شود؟	۲۰
۱	از نظر ارسطو در چه صورتی سعادت حاصل می شود؟	۲۱
۱	قوه ی غضب و عقل در صورت افراط،تفریط و اعتدال به چه حالتی در می آیند؟	۲۲

**موفق و پیروز باشید**

۱) برخی آدم ها عمدتاً با او می خوانند قنیت انان در حال می اندیشند و در حال اندازه که از دور در خیال اخلاقی است  
قنیت می آید و در نتیجه در انتخاب دعوت نیز قدرت جزای ندارند و شیخ تر دمانه ادبی در آید

۲) برخی آدم ها در این امور می اندیشند در سطر می آید و به دانشی دست یابند همان دانش می رسد در نتیجه  
می توانست هدف قابل قبولی به نرسد و زنی انان نصیر درستی پیدا می کند

۳) برخی نیز نرسد نادرست درباره جان دانش دارند این در انتخاب دعوت به چهار قنیت و زنی انان فضای نادان  
به خود نرسد است

۲ پرسش

۱۳ نظر

۱۴ سطر

۵) خلاصه را مسئول بودن با او در عالی زندگی و شعر در رابطه آنها را حرکت اول همانند دانستن در وقت اول  
راشده انان نمی دانند و از انان ها می خواهد که بگویند از قدرت اول عبور کند و به قدرت های که در طای برتر و مالک  
است برسد

۶) متن های معانی آن در سطر دانش های فلسفی نقشه که قوانین بنیادی وجود نامی دعوت نامی را به مجوده های  
خاص متعلق می آید و قوانین بنیادی آن مجوده از وجود با بیان می آید . اگر می در وجود نامی به نرسد باشد که در  
صیرت قسم حادی و نرسد است خیر کسی در انان نامی فلسفی خود می تواند بگو به انان دارای ۳ معنی حادی و محمد است

از نظر ارسطو در چه صورتی است...	۲۱
قوه ی غضب و عقل در صورت افراط، تفریط و اعتدال به چه حالتی در می آیند؟	۲۲

موفق و پیروز باشید

۱۷) به دلیل تقریب معروف از سه وحدت اعداد و تغییر در کنترل طبعی در جهان

۱۸) تمام سوراخ ها مانند سوراخ در امان و بیگانه به خدا امان  
مستقیم است و از سه حلقه

۱۹) ادلا چیزی وجود ندارد. شاید اگر هم چیزی وجود داشته باشد برای امان، بی شاف نیست و امان از امانت ان را  
دارد. شاید اگر برای امان قابل شاف باشد نمی تواند آن ماهه دیگری با خود

۱۰) ۳ ماده (۱) به به ها خود به خود دیده نمی آید بلکه هر دیده ای نیازمند علت است

۱۲) هر دیده علتی داشته دارد و از هر چیزی، هر چیزی به دیده آید

۱۳) صفت همواره یکسان عمل نمی کند

۱۱) وحی - پیامبران

۱۲) تمام راه رسیدن به شاف و حقیقت عبرت است و اصول آن دست از غایب درازد. طایفه تجربه پذیر نیستند  
دانشمندان تجربه نمی تواند خود بررسی و ارزیابی قرار گیرند بی نفی نقد

۱۱۴ آیات هر طوری که هر نوبت به نظر من این است در آن وقت همان طور که در مورد نه به نظر قومی است بلکه به نظر

همان طور که

۱۱۵ قوه نفی و مثبت حیات مربوط به نفس است نه بدن . بدن بدون نفس وجود در ماست نفس انسان در تمام

تولد است با القوه کار در دهع چیز با العقلی ندارد نفس به تدریج ادوار را تکمیل می کند و عقود از اجزای بدن قوه نظر در عمل است

۱۱۶ عقل بر این است - تجربه بر این

۱۱۷ حکمت بدن را حاشی می بیند پس دانسته که به خود خود که حاصل می آید اما این بدن حقیقتش انسان را تسلیم می کند از نظر او در همان روح با نفس است که حرکت از انده ظاهر است . روح انسان همانند می نبرد یا روحی که

۱۱۸ نور

۱۱۹ حکمت معانی - روح خیر می شنیده شده به بدن است و ملائکه نوحه آمد و حاصل فرجه و بدن است

روح و بدن همیشه همراه است که تا روح فرار بر فنا نه بلکه این ها در حقیقتی هستند که بونشان که روح با نفس بدن

بنا بر این هر آگاهی در بلا منفی در بدن ظاهر می شود و هر آگاهی در بدن روح در هر روح با نفسی ندارد

۱۲۰ از نظر اهل کون عقل اخلاقی با حکمت و تدبیر حقیقی است پس رابطه دارد . اگر در جهت سعادت باشد

حقیقت محمود می نور و اگر بطلان سعادت باشد رذیلت محمود

۱۲۱ اگر عقل بر توانی دیگر حکم شود انسان با اعتدال قوا می بیند و همین اعتدال علل سعادت و بلیغی است